

**Intelligent governance (knowledge-based) based on
the model of developing the functions of think tanks**

Received: 15/05/2022

Accepted: 29/06/2022

Hassan Chegeni

Mehran Keshtkar

(293-327)

One of the basic requirements of reaching the ideal society of the Quran is the objective realization of velayat-madiari (orbital province) in the social arena and avoiding the province of taghut) tyranny. This research with the title of social pathology of tendency to tyranny from the perspective of the Quran based on the crisis analysis method of Thomas Spriggans, while examining and comprehensively understanding the concept of tyranny, rooting the underlying factors, ways out of it and drawing the society It is desirable from the perspective of the Qur'an. The results of this research show that the prohibition of the tendency to tyranny includes all aspects of it, including the plan of friendship with the infidels, taking sides, winning arbitration and agreeing with them. According to the Qur'anic approach, the tendency of the religious community to tyrants is rooted in religious-moral factors such as ignorance of some divine affairs, fear of tyrants, suspicion of God's guardian, weakness of faith, compatibility and spiritual culture with tyrants, and also rooted in political factors. Social like the lack of insight in knowing the enemy, the influence of worldly attraction and deception of unbelievers in the souls of believers, the tyrant's malicious propaganda against the Right Front. One of the ways out of this harm is to strengthen the vision towards divine affairs, to know the truth of God's guardian and the tyranny, and the worldly and hereafter consequences of leaning towards it, and in the practical field to patience and piety, trust in God, Movement based on God's will and... pointed out. Also, preserving dignity and all-round independence for the community of faith in order to achieve a virtuous life is the desired and ideal society intended by the Qur'an.

Keywords: Social Pathology, Wilayat Allah, Wilayat Taghut, Thomas Spriggans, Jamiat Armani.

. PhD in Strategic Knowledge Management, National Defense University, Tehran, Iran, (corresponding author) chegeni@gmail.com.

. Assistant Professor of Strategic Knowledge Management, Higher National Defense University, Tehran, Iran, mehran_2a_1404@yahoo.com.



حکمرانی هوشمند (دانش بنیان) با تکیه بر الگوی توسعه (کارکردهای هیئت‌های اندیشه‌ورز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

حسن چگنی ،
مهران کشتکار هرانکی
(۲۹۳-۳۲۷)

چکیده

این مقاله بر تبیین مفهوم هیئت اندیشه‌ورزی به‌عنوان یک نهاد راهبردی و تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور تمرکز دارد. هدف مقاله، ترسیم و ارائه الگوی بومی و سازگار با زیست‌بوم حکمرانی در ایران، از این نهاد راهبردی است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه اکتشافی استفاده شده است. برای این منظور، مصاحبه عمیق و گفت‌وگوی مستقیم و بدون واسطه با دوازده نفر از پژوهشگران، مدیران، صاحب‌نظران و اندیشمندان دارای حداقل بیست سال سابقه فعالیت در مراکز اندیشه‌ورزی، راهبردی، پژوهشی و مدیریتی کشور انجام پذیرفت. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله‌برفی استفاده شد. یافته‌ها حکایت از آن دارد که هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی در سطح کلان می‌تواند به هوشمندسازی و دانش‌بنیان کردن نظام حکمرانی کشور کمک کرده و علاوه بر کارکردهای رایج، کارکردهایی همچون نهاد راهبری، هدایتگر و راهنمای سیاست‌های کلان کشور، صیانت و نظارت، تبیین مبانی، مفاهیم و چهارچوب‌های نظری، گفتمان‌ساز، رصد و تولید اندیشه، استحکام ساخت درونی قدرت، جامعه‌پردازی و زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، به‌کارگیری مشارکت مردمی و بسیج در امر سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی و استفتا و حل مسائل داشته باشد.

واژگان کلیدی: هیئت اندیشه‌ورز، حکمرانی دانش‌بنیان، مسئله‌یابی، مسئله‌پردازی، سیاست‌گذاری.

. دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی دانش، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

chegeni@gmail.com

. استادیار مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، mehran_2a_1404@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

درک ضرورت‌های امروز و فردای جامعه در دستیابی به پیشرفت پایدار و شناخت تحولات و پیامدهای آن‌ها، نیازمند مداخلهٔ مدبرانه، آگاهانه، علمی و همه‌جانبه با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها از جمله تجربه‌های بین‌المللی، ملی و بومی و مدیریت دانش بنیان است. تحقق هدف یادشده نیازمند همکاری و هم‌افزایی متخصصان و نخبگان حوزوی، دانشگاهی و مدیران اجرایی در حوزه‌های گوناگون در سطح مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل است.

این موضوع در منابع دینی ما نیز به‌کرات مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم، فراوان پیروانش را به خواندن، دیدن، شنیدن، سیروسفر کاوشگرانه در زمین و اندیشیدن و بهره‌مندی از نیروی فکر دعوت می‌کند و هشدار می‌دهد که علت اصلی کفر و انحراف انسان‌ها، عدم تعقل و اندیشیدن است. پیشوایان دینی به‌عنوان رهبران جامعهٔ اسلامی، همواره امت و حاکمان اسلامی را به بهره‌گیری از اندیشه و صاحبان اندیشه در فعالیت‌های شخصی و حکومتی توصیه کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر به‌عنوان حاکم مصر چنین می‌فرمایند: «هرچه بیشتر با دانشمندان و فرزنانگان همنشینی و همدمی کن تا موجبات سامان‌یابی کشور فراهم آید» (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳).

رهبر معظم انقلاب دامت برکاته به‌عنوان سرانجام نظام اسلامی با نگاهی عمیق و راهبردی همواره اهتمام داشته‌اند که از کلیات گفتمان انقلاب اسلامی که یک «حرکت مستمر تکاملی» است، مفاهیم و گزاره‌هایی را استخراج، و متناسب با وضعیت کشور در چهارچوب گفتارهای عمومی، ساخته و پرداخته نمایند. معظم‌له در چند سال اخیر برای پرداختن به مسائل کلان کشور و مدیریت دانش بنیان کشور، پیشنهاد شکل‌گیری نهادی تحت عنوان «هیئت اندیشه‌ورز» را ارائه نموده‌اند. نفس پیشنهاد تأسیس نهادی با این عنوان از سوی رهبر معظم انقلاب، دلالت‌هایی در مورد افق نگاه ایشان در زمینهٔ «نهادسازی انقلابی» در پی دارد و رویداد بدیعی است. به نظر می‌رسد از نگاه ایشان برخی ساختارهای غربی و مشابه آن نتوانسته‌اند کارکرد لازم و مناسب را برای کشور داشته باشند. از طرف دیگر، ایده‌ها و طرح‌های ارائه‌شده از جانب مقام معظم رهبری به‌منزلهٔ اساس سیاست‌گذاری‌های کشور، نیازمند توصیف، تبیین و انجام پژوهش‌های لازم بوده

تا بتوان از رهگذر پرورش آن ایده‌ها، به سیاست‌های عملی و راهکارهای مؤثر و راه‌گشای اجرایی رسید.

اتاق‌های فکر و اندیشکده‌های فعال در کشور به اعتراف فعالان این حوزه، هنوز در مراحل اولیه کار قرار داشته و به دلیل نگاه مدگرایانه و تقلیدی که از نمونه‌های غربی داشته‌اند، کارایی و کارکرد مورد انتظار را در زیست‌بوم ایرانی-اسلامی ندارند.

«در کانون‌های تفکر کشور، فقط واژگان اتاق فکر، اندیشگاه یا کانون‌های تفکر مورد استفاد قرار می‌گیرد. این کانون‌ها به لحاظ سیاست‌ها و کارکردها به گونه‌ای سامان یافته‌اند که رگه امید در آن‌ها دیده نمی‌شود» (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵، ۶۴).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده این موضوع در کشور نبود طرح و نقشه‌ای منسجم، جامع، یکپارچه و روزآمد، متناسب با وضعیت کشور و گام دوم انقلاب است که باعث شده مراکز راهبردی، اندیشگاهی و کانون‌های اندیشه کشور، کارایی لازم را نداشته و تولیدات دانشی آن‌ها نه در مرحله رصد مسائل حال و آینده، تحلیل روندها و دریافت افکار و بانک اطلاعات (مسئله‌یابی)، و نه در مرحله فکرسازی، بازسازی و اصلاح افکار و اندیشه‌ها و اولویت‌بندی، انتخاب و تبیین مسائل (مسئله‌شناسی و مسئله‌پردازی) و نه در مرحله تصمیم‌سازی راهبردی و سیاست‌گذاری و اعمال حکمرانی (سناریوپردازی)، نتوانسته به شکل مطلوب مدیران را در حل مسائل کلان کشور کمک کند. با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد بنا به دلایلی که در ادامه خواهد آمد، مراکز و پشتوانه‌های اندیشه‌ای و فکری کشور برای کمک به حاکمیت در حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، نیازمند آرایش جدیدی در زیست‌بوم اندیشه‌ورزی کشور هستند:

حکمرانی خوب و فنی به تصمیم‌گیری متفکرانه و مستند نیاز دارد؛

دنیای اسلام در مسیر عبور از یک پیچ تاریخی است. در این وضعیت، نمی‌توان از

نیازهای امروز و فردای دنیای اسلام غفلت کرد؛

طراحی و اجرای دقیق و صحیح سیاست‌های کلان نظام برای تحقق گام‌های انقلاب

اسلامی (تمدن نوین اسلامی) به مجموعه‌ای اندیشه‌ورز برای راهبری تصمیمات و

سیاست‌ها وابسته است؛

گام‌های رسیدن به تمدن اسلامی (دولت اسلامی، نظام اسلامی و جامعه اسلامی) الگوها، نظامات و شیوه‌های بومی خود را می‌طلبند که به شدت نیازمند اندیشه‌ورزی جمعی است؛

استحکام «ساخت درونی نظام» با تکیه بر استعدادها، درونی و علم و دانش درونزا محقق می‌شود؛

نگاه کلان به مسیر انقلاب اسلامی از ابتدا تا به امروز نیاز به یک سیستم هوشمند رصد و تحلیل دارد؛

یکی از کارکردهای هیئت‌های اندیشه‌ورز کشور باید کاهش شکاف بین نهاد علم و نهاد اجرا باشد که به نظر می‌رسد اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر فعلی نتوانسته‌اند به خوبی وظیفه خود را انجام دهند؛

کلان‌تغییری به نام نفوذ اینترنت در تاروپود جامعه و تغییر فاز سریع جامعه، نیاز جدی به فهم درست این پیچیدگی‌ها و چالش‌ها و جلوگیری از انفعال و غافلگیری را می‌طلبد؛ حضور جدی ایران به دعوت کشورهای منطقه برای ایجاد ثبات و امنیت، نیاز به پشتوانه قوی فکری و اندیشه‌ای دارد؛

رویکردهای هوشمندانه دشمنان برای مواجهه با مسائل ایران در سطح بین‌الملل و تأثیرات آن‌ها بر دیگر بخش‌ها، ضرورت مقابله با این رویکردها را به صورت هوشمندانه و دقیق و جامع می‌طلبد؛

نیاز به گرفتن آرایش جدیدی در سازمان‌های گوناگون دولتی و حاکمیتی برای مدیریت منابع، سرمایه‌ها، مسائل و چالش‌ها به شدت احساس می‌شود.

باتوجه به مطالب فوق، مسئله اصلی این پژوهش «سازگار نبودن مجموعه‌های اندیشه‌ورز کشور متناسب با ویژگی‌های بومی ایران و در نتیجه ناکارآمدی آن‌ها» است که این پژوهش به دنبال ارائه الگویی بومی برای توسعه و بهبود کارکردها و عملکرد این مراکز در کشور است. از این رو، مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است که الگوی هیئت اندیشه‌ورز چگونه است و کارکردهای متمایز این هیئت در مقایسه با مراکز مشابه چیست.

پیشینه‌شناسی پژوهش

مطالعه و جست‌وجوی مستندات در دسترس نشان می‌دهد در مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی به صورت مستقیم موضوع «هیئت‌های اندیشه‌ورز» و «اندیشه‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران» مورد کنکاش قرار نگرفته است. با این حال، چون این موضوع و موضوعات مشابه همچون «اندیشکده»، «اتاق فکر» و «کانون‌های تفکر» در سطح کلان کشور از مباحث جدید در ادبیات راهبردی کشور است، حسب اهمیت آن، مورد توجه جدی و اساسی خبرگان قرار گرفته‌اند که در مجموع می‌تواند به شناخت بهتر از چگونگی بهره‌برداری از ادبیات موضوع کمک کنند. بنابراین، یافته‌های عمده از بررسی پیشینه تحقیقات به قرار زیر است:

شاهقلیان و زرآبادی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارائه مدل ارزیابی عوامل موفقیت انجمن‌های خبرگی در شرکت‌های دانش بنیان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد پانزده عامل در موفقیت انجمن‌های خبرگی تأثیرگذار بودند که در چهار گروه کلی رتبه‌بندی شدند: عوامل مدیریتی و منابع انسانی، عوامل سازمانی، عوامل فناوری و فناوریانه و عوامل مالی و اقتصادی.

بابایی فارسانی و حسنی مقدم (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی اندیشه‌ورزی با محوریت دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، مؤلفه‌های کلیدی اندیشه‌ورزی را در قالب ۸۵ مفهوم کلیدی، ۱۵ زیرمعیار و ۵ معیار اصلی استخراج و ارائه کرده‌اند. ابعاد اندیشه‌ورزی از دیدگاه اسلام، پیامدهای اندیشه‌ورزی، راهبردهای اندیشه‌ورزی، گفتمان رهبری و مبانی اندیشه‌ورزی ۵ معیار اصلی مدل ارائه شده است که برای هر بُعد شاخص‌هایی براساس روش دلفی استخراج و ارائه شده است.

روح‌اللهی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «طراحی معماری کلان اندیشکده‌ها در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» با رویکردی تطبیقی و در یک فرایند پیوسته و نظام‌یافته به ارزیابی اندیشکده‌هایی که در زمینه کاری خود پیشرو به شمار می‌روند، پرداخته است تا با استفاده از آن، زمینه طراحی معماری کلان اندیشکده‌های سپاه فراهم آید. مبتنی بر این بررسی‌ها و مطالعات تطبیقی، الگوی پیشنهادی برای اندیشکده‌های سپاه ارائه شده است.

که در آن مؤلفه‌های گوناگون این الگو همچون نظامات، فرایندها و روابط اندیشکده‌ها با دیگر نظامات مرتبط تبیین شده است.

لاجوردی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «گونه‌شناسی نقش کانون‌های تفکر در عرصه خط‌مشی‌های عمومی»، دامنه فعالیت‌های کانون‌های تفکر را شامل مواردی از قبیل: ایده‌سازی و نظریه‌پردازی در زمینه سیاست‌پژوهی؛ تصمیم‌سازی راهبردی در سیاست‌گذاری؛ توسعه دانش‌های بنیادین و فکری کشور در زمینه سیاست، حکومت، علم و فناوری و ارائه راهبردی برای شکل‌گیری سیاست‌ها بر پایه حکومت و دولت در قالب تصمیم‌سازی راهبردی می‌داند.

سهراب‌پور و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش و جایگاه کانون‌های تفکر در حوزه سیاست‌گذاری در چند کشور جهان و ایران» به بررسی جایگاه کانون‌های تفکر در حوزه‌های گوناگون تصمیم‌سازی در کشورهای مختلف جهان (۲۰ کشور) می‌پردازد و نسبت به شناسایی اطلاعات، آمار، سازمان‌دهی، نوع فعالیت، وابستگی، اهداف و جایگاه ملی و بین‌المللی این کانون‌ها و به‌ویژه کانون‌های تفکر هشت کشور عمده شامل آمریکا، روسیه، کره جنوبی، آلمان، فرانسه، کانادا، انگلستان و ژاپن تجزیه و تحلیل صورت گرفته است. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کانون‌های تفکر در ایران علی‌رغم وجود نیروهای انسانی کارا و مؤثر که اصلی‌ترین رکن یک کانون تفکر را تشکیل می‌دهد، مراحل ابتدایی خود را می‌گذرانند و هنوز پایگاه مناسب و درخور را نیافته‌اند.

ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی

اندیشه‌ورزی: اندیشه‌ورزی به هر فعالیت عقلانی اطلاق می‌شود که به‌نوعی، مشکلی را حل کند و به نقطه روشنی برسد. با این معنا، اندیشه‌ورزی اساس و پایه هر نوع کشف، اختراع، ابداع و تصور دانشمندان است (بیانی، ۱۳۹۹، ۹۵). به‌عبارتی، می‌توان چنین گفت که در بحث اندیشه‌ورزی توجه به جنبه عملی و «شدن» بسیار پررنگ‌تر از بُعد نظری است و برای همین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اندیشه‌ورزی یعنی اندیشیدن برای شدن.

از این رو، یکی از تمایزهای اندیشه‌ورزی با انواع دیگر مفاهیم نزدیک و مشابه، همین موضوع اندیشیدن برای شدن است، یعنی تفکر و اندیشیدن معطوف به اثر. به عبارت دیگر، اندیشه‌ورزی فعالیتی عقلانی است که با انگیزه نیاز به دانستن، توجیه و تبیین در جهت حل مشکلات و مسائل تلاش می‌کند (سرتیپ‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۱۰-۱۱۵). از نظر حمیدی‌زاده (۱۳۸۹) مفهوم اندیشه‌ورزی بسیار به معنای حکمت، که در منابع دینی و روایی ما به آن اشاره شده، نزدیک است. مطابق این دیدگاه، زمانی که دانش بر اساس قوه عقل با هدایت الهی به رویکردهای عقلانیت تجهیز شود، خردورزی و اندیشه‌ورزی تولید می‌شود. اندیشه‌ورزی در واقع توانایی تأمل و تفکر در قوانین و تغییر آنهاست و بالاترین سطح دانش است. این توانایی باید برای دیدن پیامدها و شناخت راهکارها برای دستیابی به ادراک و تحلیل مطلوب‌ها جلوه‌گر شود (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۹، ۲۰۰-۲۰۵).

هیئت اندیشه‌ورز: هیئت اندیشه‌ورزی را می‌توان نوعی نهاد، کانون، مرکز، مؤسسه، گروه یا اندیشکده در نظر گرفت که با به‌کارگیری متخصصان، اندیشمندان و صاحب‌نظران متعدد دارای تخصص‌های بین‌رشته‌ای و برخوردار از تجربیات مدیریتی و اجرایی، پیشنهادها و بسته‌های سیاستی لازم را در موضوعات گوناگون برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کشور تأمین می‌کند. در واقع، هیئت اندیشه‌ورز نوعی سازمان ویژه در زمینه سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی است که بر اصل جمع‌اندیشی، جمع‌سپاری، نوآوری باز و ایده‌پردازی جمعی استوار است. این هیئت‌ها همان بدیل اتاق‌های فکر و کانون‌های تفکر در غرب هستند که البته با تفاوت‌هایی باید در لایه‌های گوناگون ساختار مدیریتی جمهوری اسلامی ایران حضور داشته باشند و طراحی، تحلیل، ارزیابی و نظارت بر راه‌حل‌ها، دکترین‌ها، راهبردها و سیاست‌های کلان کشور در حوزه‌های گوناگون را در قالب سناریوهای مختلف به مدیران و سیاست‌گذاران پیشنهاد دهند.

هیئت‌های اندیشه‌ورزی در کنار مراکز علمی و پژوهشی و همچنین بخش اجرا و سازمان‌های حاضر در میدان اقدام، به‌عنوان یک سازمان تسهیلگر و پشتیبانی‌کننده فکری و مشاوره‌ای عمل کرده و به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کمک می‌کنند. در واقع، وظیفه اصلی این مراکز را می‌توان شناسایی مسائل و موضوعات مهم و اساسی کشور، تبیین

تنقیح، بررسی و موشکافی دقیق و جامع آن‌ها و ارائه سناریوهای گوناگون برای حل این مسائل و موضوعات بیان نمود.

از نگاه مدیریت دانش سازمانی، نقش این هیئت‌ها بسیار حائز اهمیت است. حضور و بروز هیئت‌های اندیشه‌ورز حتی در سطح سازمان‌ها باعث می‌شود که دانش ضمنی موجود در آن‌ها که امکان دارد از آن بی‌خبر باشند، کشف، شناخته و منتقل شود. بیشتر سازمان‌ها و شرکت‌ها حتی در شناسایی این دانش و علوم ضمنی مشکل دارند؛ اما راه‌اندازی گروه‌های اندیشه‌ورز بستری را فراهم می‌سازد تا این دانش‌ها به‌صورت فرایند «خودمدیریتی» از سوی کارکنان کشف و منتقل شود (بابایی فارسانی و همکاران، زیر چاپ).

حکمرانی دانش بنیان (هوشمند): حکمرانی هوشمند یا به‌تعبیری دانش‌بنیان، اغلب برای توصیف فعالیت‌هایی است که با استفاده از راه‌حل‌های به‌روز و نوظهور، همراه با راهبردهای نوآورانه برای دستیابی به ساختارهای حکمرانی چابک‌تر و انعطاف‌پذیرتر و زیرساخت‌های حاکمیتی، سرمایه‌گذاری می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد (پری‌پرا و دیگران، ۲۰۱۸، ۱۰).

اگر بخواهیم به‌صورت خلاصه چند ویژگی را برای حکمرانی خوب برشماریم و موفقیت در آن‌ها را به‌مثابه موفقیت حاکمیت بدانیم، به این موارد می‌شود اشاره کرد: مشارکت و ثبات سیاسی، ابراز عقیده، پاسخ‌گویی مؤثر، شفافیت، کارآمدی، عدالت و کنترل فساد، مسئولیت‌پذیری و حاکمیت قانون. در حکمرانی خوب اطمینان داده می‌شود که فساد به حداقل می‌رسد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها در نظر گرفته می‌شود، صدای افراد آسیب‌پذیر جامعه در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود و همچنین حاکمیت پاسخ‌گوی نیازهای حال و آینده است (شنگ، ۲۰۱۷، ۱).

در کشور ما و در سطح ادبیات مسئولان و صاحب‌نظران، چند سالی است از اصطلاحاتی همچون دولت الکترونیک، دولت دیجیتال و دولت هوشمند استفاده می‌شود. دولت الکترونیک، ابتدایی‌ترین سطح از پیشرفت در دولت‌هاست؛ چراکه در این دولت صرفاً جابه‌جایی داده فی‌مابین مردم و دولت با استفاده از فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد. در دولت دیجیتال یک مرحله جلوتر رفته و علاوه بر فعالیت‌های دولت الکترونیک،

حکمرانی هوشمند (دانش بنیان) با تکیه بر الگوی توسعه ... - حسن چگنی (۲۹۳-۳۲۷) / ۳۰۱

فرایندهای اجرایی کشور اصلاح می‌شوند. در گام بعدی که آغاز راه دولت هوشمند است، علاوه بر گذر از دو سطح قبل، مسائلی همچون پیشگیری از تکرار اشتباهات گذشته، برخورد فعالانه و پیشگیرانه نسبت به چالش‌ها، توسعه و پیشرفت روبه‌جلو در بهینه‌سازی فرایندها و ساختارها، حفظ و نشر دانش خبرگان، ارتقای سطح دانش، پیشگیری از فساد، خودتوسعه‌دهندگی، رشد همسان در همه ابعاد حاکمیت، شتاب‌گیری در روند اصلاح رویه و ساختارها، ارائه راهکار فعالانه برای نقاط ضعف پیش‌بینی نشده ... صورت می‌پذیرد.

هیئت اندیشه‌ورز در اندیشه امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام

مقام معظم رهبری علیه‌السلام به‌عنوان سران نظام اسلامی با نگاهی عمیق و راهبردی، که برآمده از سال‌ها تجربه و کار اجرایی و علمی است، چندین بار در دیدار با مسئولان نظام اسلامی بر ضرورت شکل‌گیری یک مرکز با نگاه کلان برای دیده‌بانی و مطالبه‌گری براساس آرمان انقلاب برای ترسیم اهداف، وظایف و مأموریت‌های جمهوری اسلامی و ارزیابی گذشته انقلاب تأکید کرده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۶/۳۰)؛ مرکزی که بتواند برای مسئولان ارشد نظام برای مدیریت جمهوری اسلامی ایران در همه بخش‌های کلان کشور یک اشراف راهبردی و نظام ارزشیابی حکمرانی فراهم کند و به‌عنوان دیده‌بانی معتمد و معتبر ضمن رصد حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، آموزشی، فرهنگی و... به مدیران ارشد برای پیشرفت و توسعه کشور راهکار و پیشنهاد ارائه کند.

معظم‌له در راستای مدیریت هوشمند و راهبردی کشور، پیشنهاد تأسیس نهادی متناسب با وضعیت بومی کشور را ارائه فرموده‌اند:

گفتیم هیئت‌های اندیشه‌ورز. من اصرار دارم این کلمه «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها می‌گویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است. «هیئت‌های اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. ... هیئت‌های اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح خط‌نگاری کنند، راهبردنگاری کنند... راهبردنگار، راهبرداندیش (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۳).

یکی از شاخصه‌ها و تمایزهای اصلی هیئت‌اندیشه‌ورز با دیگر مراکز پژوهشی و علمی و

اندیشکده‌ای رایج، دخالت ارزش‌ها و مبانی در کنار مسائل و مباحث علمی، پژوهشی و تخصصی است که براساس این مبانی و ارزش‌ها، راهکارها و پیشنهادهای سیاستی و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مدیران ارشد ارائه می‌شود. همین‌که عنوان «هیئت اندیشه‌ورز» به‌مثابه بدیل آن عناوین رایج، از سوی رهبری مطرح شد، حاوی نشانه‌هایی مبنی بر آغاز طرح نوینی از نقش‌آفرینی یک مرکزی با ویژگی‌های برآمده از انقلاب اسلامی در ساختار جمهوری اسلامی است؛ مرکزی راهبردی که ترکیبی از تخصص‌های پیشرفته و اصلی در عرصه حکمرانی است و از اشراف لازم به مبانی دینی و انقلابی برخوردار است. وظیفه هیئت اندیشه‌ورز این باشد که یک نگاه کلانی بکند به مسیر انقلاب از اول تا امروز. این انقلاب یک اهدافی داشته است؛ یک حرکتی شروع شده است به سمت اهداف. نگاه کنند تا ببینیم که به این اهداف چقدر نزدیک شده‌ایم، به کدامش نزدیک شده‌ایم، در مورد کدام هدف توقف داشته‌ایم، در مورد کدام هدف پس‌رفت داشته‌ایم... این‌ها مطالعات راهبردی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۶/۳۰).

براین‌مبنا، درک ضرورت‌های امروز و فردای جامعه در دستیابی به پیشرفت پایدار، شناخت تحولات و پیامدهای آن، رصد اجرای سیاست‌های کلی نظام و حکمرانی دانش‌بنیان، نیازمند مداخله مدبرانه، آگاهانه، عملی و همه‌جانبه با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها از جمله تجربه‌های بین‌المللی، ملی و بومی است. تحقق هدف یادشده نیازمند همکاری و هم‌افزایی متخصصان و نخبگان حوزوی و دانشگاهی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در سطح مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در قالب هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی است؛ شورایی فکری که با استفاده از تجارب، دانش‌ها و ایده‌های نوین و خلاق برای حل مسائل کشور راه‌حل ارائه می‌کند و در واقع ارتباطی دوسویه بین دانش و اجرا می‌آفریند.

کارکردهای رایج مراکز اندیشه‌ورزی (اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها) در دنیا

تنقیح مسائل: شناسایی، توصیف و صورت‌بندی دقیق مسائل

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در سیاست‌پژوهی، تنقیح و صورت‌بندی مسائل و فهم شفاف از

ماهیت مشکل است. چه بسیار سیاست‌هایی که به دلیل عدم فهم مشکل و عدم صورت‌بندی دقیق مسئله با شکست مواجه شده‌اند. در واقع، می‌توان گفت شکست سیاست‌ها نه به دلیل راه حل غلط، بلکه به دلیل صورت مسئله غلط بوده است. از این رو، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مراکز اندیشه‌ورزی، شناخت ماهیت مشکلات و صورت‌بندی دقیق یک مسئله سیاستی، براساس شناخت ماهیت مشکلات است.

اتاق‌های فکر به عنوان یکی از وظایف اصلی خود، معطوف به شناخت ماهیت مشکلات و صورت‌بندی‌های گوناگون آن متمرکز می‌شوند. بدین سان به صورت دائمی فرایند مسئله‌یابی، مسئله‌شناسی و مسئله‌پردازی یکی از فعالیت‌های جاری و همیشگی این مراکز است که مسائل سازمانی، مسائل اجتماعی، مسائل سیاستی و... را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

زمان، فهم ما را از مسائل و مشکلات دگرگون می‌کند. در دستور کار قرارگرفتن دائمی این مسائل می‌تواند ایجاد دگرگونی را تسریع کند. این مسئله‌شناسی و مسئله‌پردازی می‌تواند با روش‌های گوناگون انجام شود، از روش دلفی گرفته تا پروژه‌های کوتاه و بلندمدت مسئله‌شناسی. فهم پیچیدگی‌های یک مسئله، طبقه‌بندی مسائل سیاستی به مسائل راهبردی، اصلی، فرعی و کارکردی، تقسیم‌بندی مسئله به مسائل خوب صورت‌بندی شده و بد صورت‌بندی شده و... از جمله موضوعاتی است که در مسئله‌شناسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ایده‌یابی و تبدیل ایده‌های کلی و پیشنهاد‌های خام به سیاست‌ها و برنامه‌های دقیق و اجرایی

پس از تنقیح، پردازش و تدوین یک صورت مسئله شفاف سیاستی، فعالیت اتاق‌های فکر بر ارائه راه حل متمرکز می‌شود. خود ایده به‌تنهایی اهمیت بسزایی دارد و مراکز اندیشه‌ورزی می‌بایست به این دیدگاه که ایده سیاست را می‌سازد، واقف باشند. به عبارت دیگر، بسیاری از سیاست‌هایی که در حال اجرا هستند، در آغاز ایده‌هایی بوده‌اند که بین کارشناسان بحث و بررسی شده‌اند و رفته‌رفته مورد توجه گروه‌های ذی‌نفوذ و سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند.

ایده‌یابی نیازمند تفکر خلاق است اما ایده‌پردازی که تابع تفکر نقاد است تلاشی شامل بررسی و گزینش مهم‌ترین یا امیدوارانه‌ترین امکانات است که به یک یا چند راه‌حل ختم می‌شود. مطالعات در حوزه روان‌شناسی شناختی نشان می‌دهد که تفکر خلاق شامل فرایندهای شناختی مانند روانی و سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت یا تازگی، بسط و گسترش، تجزیه و تحلیل، بسط، ترکیب، سامان‌دهی، دگرگونی و تبدیل است؛ درحالی‌که تفکر نقاد فرایندی ذهنی است، شامل: مهارت‌های شناختی چون توصیف، تجزیه و تحلیل، تفسیر، ارزیابی، استنتاج، تشریح و توجیه و داوری (شریف و ندیمی، ۱۳۹۲، ۲۵).

جمع‌بندی راه‌حل‌ها

در جامعه کنونی، درمورد هر مسئله‌ای، حجم وسیعی از داده‌های کاربردی و غیرکاربردی، معتبر و بی‌پایه‌و‌اساس و همچنین اطلاعات و راه‌حل‌هایی گوناگون و متفاوتی وجود دارد. در چنین محیطی، نقش مراکز اندیشه‌ورز به‌عنوان تحلیلگر اطلاعات و راه‌حل‌های گوناگون و ارائه راه‌حل‌های مطمئن، کاربردی، قابل‌فهم و جامع و منسجم از جایگاه ممتازی برخوردار است.



شکل ۱: نقش و کارکرد مراکز اندیشه‌ورز در جمع‌بندی اطلاعات و راه‌حل‌ها

(منبع: یافته‌های پژوهش)

اتاق‌های فکر در جوامع امروزی به‌عنوان مرکزی برای فراهم آوردن زمینه مبادله سازنده

اطلاعات و نظرات، میان چهره‌های اصلی مشارکت‌کننده و در صورت امکان ایجاد اجماع بین آنان و همچنین فعالیت در مقام تسهیل‌کننده مبادله اطلاعات و آرا میان صاحب‌نظران عمل می‌کند. سپس نسبت به تجمیع راه‌حل‌ها و دسته‌بندی آن‌ها براساس الگوهای اقدام می‌شود. البته مشارکت‌کنندگان در مراکز اندیشه‌ورزی، از مبانی نظری واحدی برخوردارند و راه‌حل‌های آن‌ها همگی در یک نحله فکری می‌گنجد. گاه مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های اندیشکده، آگاهانه یا ناآگاهانه، از دیدگاه‌ها و مبانی نظری گوناگون و مخالفی به ارائه راه‌حل می‌پردازند. حتی ممکن است که خود نسبت به این مبانی متضاد خود آگاهی نداشته باشند. در چنین حالتی است که مدیران و گردانندگان مرکز بایستی به این دسته‌بندی‌ها بپردازند و راه‌حل‌هایی را که از مبانی نظری گوناگون استنتاج می‌شوند، تقسیم‌بندی کنند.

اهمیت این اقدام از آن‌روست که تزامن نظری و اختلاف در مبانی نظری در سیاست‌ها می‌تواند سیاست‌گذاری عمومی را نابسامان کرده و نتایج متضادی که از نظریه‌ها بیرون می‌آیند، جامعه را با چالش مواجه کنند. سیاست‌های متضاد، نتایج یکدیگر را خنثی می‌کنند و وظیفه گردانندگان مراکز اندیشه‌ورزی است که این موارد را از یکدیگر تفکیک کنند تا سیاست‌گذاری، دچار تناقض و تزامن نشود (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲-۱۵۵).

شبکه‌سازی نظرات نخبگان

وجود شبکه‌های ارتباطی میان نخبگان حوزه‌های گوناگون، امکان آگاهی از دستاوردهای نوین را فراهم کرده و از دوباره‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین با توجه به ضرورت روزافزون موضوعات بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای، تشکیل این گونه شبکه‌ها امکان پرداختن به ابعاد گوناگون یک موضوع از سوی متخصصان متفاوت را به‌طور هم‌زمان و هماهنگ باهم هموار می‌سازد. از سوی دیگر، «شبکه‌ای دیدن روابط»، موضوعی است که توجه بسیاری از متخصصان حوزه‌های گوناگون، از جمله: علوم اجتماعی، مدیریت، سیاست‌گذاری، سلامت و حتی منابع طبیعی را به خود معطوف ساخته است. در واقع، شبکه‌بندی امکان بررسی و تحلیل ارتباطات میان یک مسئله با مسائل مرتبط را میسر

می‌سازد. درواقع، برای حل یک مسئله، علاوه بر لزوم بررسی خود مسئله، به‌همان‌میزان ضرورت بررسی مسائل مرتبط مطرح می‌باشد.

به‌عنوان نمونه، نیرا به‌عنوان یکی از اندیشکده‌های برتر ژاپن نه‌تنها با ایالات متحده و کشورهای اروپایی (انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا و...) تعاملات و تبادلات پژوهشی دارد، به‌تازگی درحال گسترش این ارتباطات با کشورهای خاورمیانه، استرالیا، ویتنام و دیگر کشورهای است. نیرا تعاملات چندجانبه را تشویق می‌کند. ازجمله گام‌هایی که در این زمینه برداشته شده می‌توان به برپایی سمپوزیوم‌های مشترک کانون‌های تفکر ژاپن، چین، کره جنوبی و شمالی و اجلاس هوکایدو که با عضویت آمریکا، کانادا، روسیه، چین، کره شمالی و جنوبی، مغولستان و ژاپن برگزار می‌شود، اشاره کرد. تکاپوهای «بده-بستانی» این اندیشکده، مواردی از این دست را دربر می‌گیرد: انجام پروژه‌های مشترک، برگزاری سمپوزیوم با همکاری کانون‌های تفکر خارجی، پذیرش پژوهشگران میهمان (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵، ۴۵۱-۴۵۸).

کادرسازی و شناسایی نیروهای صاحب‌نظر

باتوجه به حضور چشمگیر خبرگان در کانون‌های تفکر در قالب همکاران یا اعضای مشاوران یا سخنرانان و تحلیلگران مدعو، هم‌اندیشی‌ها، کنفرانس‌ها و همایش‌ها، این نهادها بستر بسیار مناسبی برای انتقال تجربیات و تربیت کادر در نسل‌های جوان‌تر و نیز کارشناسان و تحلیلگران عضو و اندیشکده‌ها می‌باشد.

به‌عنوان نمونه، کارکنان بسیاری از مراکز تفکر روسیه یا تجربه کار در نهاد ریاست جمهوری را دارند یا درحال کار هستند. برای مثال، نیکانوف رئیس بنیاد پالیتیکا، قبل از سال ۱۹۹۳ معاون و سرپرست دفتر نهاد ریاست جمهوری فدراسیون روسیه بوده است. پانین (از مدیران ایندم) تا سال ۱۹۹۶ قائم‌مقام اداره تحلیل دفتر نهاد ریاست جمهوری فدراسیون روسیه بوده است. همچنین بنیاد مرکز تحقیقات استراتژیک گراف، منبع اصلی نیروی انسانی برای ارگان‌های دولتی محسوب می‌شود (دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۹۴، ۳۷ و ۳۸).

رصد مسائل جاری و درشرف ظهور و ارائه دیدگاه‌های تحلیل‌گرایانه

یکی از کارکردهای اساسی اتاق‌های فکر در سطح کلان کشورها و حتی جهان، رصد و شناسایی مسائل مهم و جدیدی است که پیش‌بینی می‌شود جامعه در آینده با آن‌ها روبه‌رو خواهد شد. اهمیت این رصد و شناسایی در اقدام به موقع و زود هنگام این مراکز نهفته است تا ضمن هوشیارکردن مردم و مسئولان و سیاست‌گذاران فرصت لازم برای سیاست‌گذاری و اقدام وجود داشته باشد. ایجاد رابطه میان مسائل نوظهور و موضوعات سیاستی هنری است که مراکز اندیشه‌ورزی باید آن را داشته باشند.

رصد اجتماعی از نظر مفهومی حاصل انجام سه اقدام کلان پی‌درپی است که با اغماض می‌توان آن را فرایند مفهومی رصد اجتماعی دانست. این سه مرحله به صورت زیر است (پورحیدر، ۱۳۹۹):

الف) تولید یا ثبت داده‌های اجتماعی: تحلیل‌های رصد اجتماعی مبتنی بر داده است. بنابراین برای شکل‌گیری یک فرایند کامل رصدی، لازم است در ابتدا داده‌های مناسبی جمع‌آوری یا تولید شوند. این داده‌ها می‌توانند از طریق سرشماری، ثبت داده‌های خدمت‌بگیران و... به دست آیند.

ب) نگهداری و تمیزسازی داده‌های اجتماعی: در برخی مجموعه‌های مرتبط با مسائل اجتماعی کشور، یک مرکز یا سامانه نرم‌افزاری برای جمع‌آوری داده‌های گوناگون مرتبط با مأموریت وجود دارد که براساس آن‌ها تحلیل‌های مدنظر خود را انجام داده و گزارش آن را به نهادهای گوناگون ارائه می‌کنند.

ج) تحلیل و بهره‌برداری از داده‌های اجتماعی: تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق شبیه‌سازی، تست فرضیه‌ها و داده‌کاوی انجام‌پذیر است، اما تازمانی که فرضیه‌ها و مدل‌های مناسب در توصیف جامعه وجود نداشته باشد، تحلیل موضوعات اجتماعی از طریق داده‌ها ممکن نخواهد بود.

سیاست‌پژوهی (تصمیم‌سازی) و ارزیابی نقادانه سیاست‌ها

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اتاق‌های فکر در دنیا، مطالعه تطبیقی سیاست‌هاست. هر

مرکز، بسته به زمینه یا زمینه‌های کاری خود، دائماً سیاست‌های دیگر ملت‌ها را می‌کاود؛ چراکه نتایج این کاوش‌ها برای سیاست‌گذاری‌های کلان ملی و حتی سازمانی بسیار مهم است.

از دیدگاه مدیریت راهبردی دانش، کانون‌های اندیشه‌ورزی بخشی از ساختار و سازمان دانش ملی هستند که به تولید دانش مرتبط با اقتصاد، سیاست و اجتماع می‌پردازند. از این دیدگاه، این مراکز در مقابل نظام سیاست‌گذاری عمل متقابل نشان می‌دهند و تأثیر ملموسی بر سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... دارند. اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها در این رویکرد نوعی خزانه دانش متشکل از مقالات محققانه، کتاب‌ها و ادبیات کارشناسانه‌اند که کار پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها را تکمیل می‌کنند. در واقع، این مراکز اندیشه‌ورزی یا دانش جدید تولید می‌کنند یا داده‌های قدیمی و تولیدشده را به‌گونه‌ای خلاقانه ارزیابی، نقد یا تفسیر می‌کنند؛ توصیه‌هایی در مورد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری ارائه می‌دهند و ایده‌هایی منتشر می‌کنند که بر نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. اما در کنار تولید و انتشار رویکردهای جدید نسبت به سیاست عمومی، ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های در دست اجرا در سطوح گوناگون یکی از کارکردهای رایج مراکز اندیشه‌ورزی محسوب می‌شود تا از این طریق اطلاعات و کارشناسی‌های لازم متناسب با اهداف ترسیم‌شده در اختیار مدیران و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی یکی از کارکردهای اصلی اتاق‌های فکر در دنیا قلمداد می‌شود. در نگاه اندیشه‌ورزانه به آینده که در آینده‌نگری و آینده‌پژوهی شاهد آن هستیم، تغییر اصلی در نوع تفکر صورت گرفته است و آن تغییر از تفکر کوتاه‌مدت به اندیشه‌ورزی بلندمدت است. هنگامی که اولویت‌های آینده‌اندیشی از کوتاه‌مدت به بلندمدت تغییر کند، تدبیراندیشی برای مسائل مقطعی و جاری، جای خود را به آینده‌آفرینی اجتماعی می‌دهد. همچنین، آینده‌نگری اجتماعی به دنبال افزایش آگاهی تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران امور اجتماعی در زمینه‌ی علایق اجتماعی و فراهم‌ساختن جعبه‌ابزاری برای ساختن آینده‌های

مطلوب و مرجح است. این جعبه ابزار نگاهی جامع تر و حرفه‌ای تر از آنچه پیش تر در اختیار سیاست‌گذاران بوده، برای آن‌ها فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد معرفی چهارچوبی برای بالاتر بردن هوش آینده‌نگر جامعه و ترویج توجه کردن به آینده به رویه عمومی می‌تواند برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران این حوزه یک نقشه راه ایجاد کند (اسلاتر^۱، ۲۰۰۶، ۳۵-۴۰). هرچند هدف از آینده‌پژوهی در اتاق‌های فکر صرفاً این موضوع نیست، می‌تواند به‌عنوان یکی از تأثیرات اتاق‌های فکر بر عموم مردم در جامعه و مجامع علمی لحاظ شود: تزریق و دمیدن روح امیدآفرین و آینده‌نگرانه در جامعه.

اما در شکل تخصصی و فرایندی آن، اتاق‌های فکر بر مبنای روش‌های آینده‌پژوهی، روندهای بلندمدت جهانی، شرایط منطقه‌ای و وضعیت ملی را به لحاظ نیازهای راهبردی به صورت واقعی و بر مبنای سناریوهای گوناگون برآورد نموده و آن‌ها را در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران برای لحاظ‌شدن در سیاست‌ها و تصمیمات قرار می‌دهند.

آینده‌پژوهی صورت‌گرفته در اتاق‌های فکر، کشورها را از غافلگیری راهبردی در آینده نجات داده و استفاده بیشتر از فرصت‌ها را ممکن می‌سازد و به‌عنوان یک راهنمای تعیین‌کننده در امر سیاست‌گذاری، مورد توجه قرار می‌گیرد.

علی‌رغم اینکه امروزه همچنان پیش‌بینی یکی از حوزه‌های مهم و کلیدی آینده‌پژوهی است، از دهه هفتاد میلادی آینده‌نگاری به سنت حاکم بر آینده‌پژوهی تبدیل شد. در این سنت، برخورد فاعلانه جایگزین برخورد منفعلانه با آینده گردید. آینده‌نگاری از پیش‌بینی محض فراتر می‌رود، و به طراحی و معماری آینده مطلوب معطوف است. در اینجا آینده‌پژوهان به دنبال تغییر در آینده و برپایی هوشمندانه و تاحدی دلخواه آینده هستند. طبق تعریف، آینده‌نگاری فرایندی است مبتنی بر گفتمان‌های اجتماعی معطوف به آینده، با حضور گروه‌های کثیری از خبرگان رشته‌های مختلف و نمایندگان همه ذی‌نفعان یک موضوع و به منظور خلق چشم‌اندازهای همه‌جانبه و بلندمدت از آینده. نتایج آینده‌نگاری مبنای برنامه‌ریزی استراتژیک را تشکیل می‌دهند (پدرام، ۱۳۸۸، ۸).

بررسی مسائل جهانی

با اهمیت یافتن مسئله جهانی شدن، حاکمیت جهانی به تدریج خود را به عنوان موضوعی اصلی برای اتاق‌های فکر بزرگ بین‌المللی تحمیل کرده است. با توجه به تحول کیفی وابستگی متقابل ناشی از انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، یک شوک یا اختلال در بخش خاصی از سیستم بین‌المللی - عملکردی یا منطقه‌ای - می‌تواند کل سیستم را بی‌ثبات کند (نظریه هرج و مرج، که به طور عامیانه به عنوان «اثر پروانه‌ای» گفته می‌شود)، به همان روشی که در بدن انسان، آسیب دیدگی عملگرهای حیاتی می‌تواند منجر به مرگ شود.

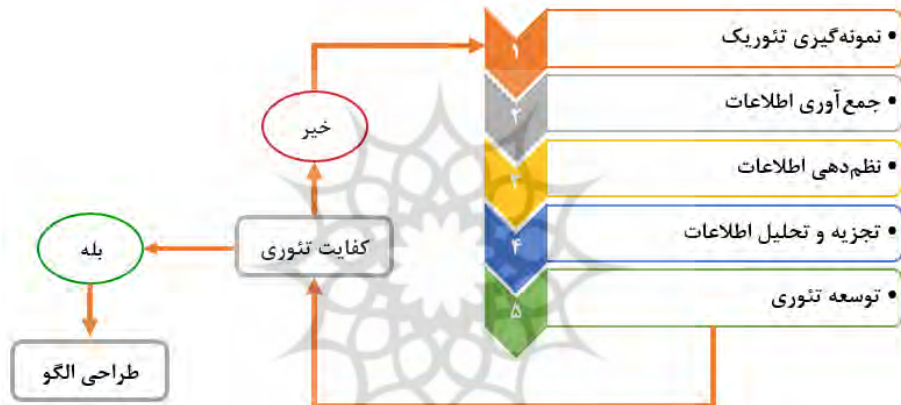
این امر نیاز به سازگاری مداوم ابزارهای نظارتی در همه سطوح و اطمینان از هماهنگی جهانی را ایجاد می‌کند. بنابراین، می‌توانیم مسئله حاکمیت جهانی را به صورت یکپارچه مفهوم‌سازی کنیم. این مسئله دشوارتر از سازماندهی و اداره مشاغل است، مبنایی اولیه برای مقایسه؛ زیرا جهان به عنوان یک واحد سیاسی وجود ندارد. هیچ رهبر و هیچ نهادی برای تعیین اهداف و راهبردهای «جهان» وجود ندارد. برای بیشتر موضوعات ملموس مربوط به حاکمیت جهانی - مانند انرژی، آب و هوا، غذا، آب، بهداشت و امنیت، اقتصاد کلان و امور مالی - شرکای اصلی البته با نقش و جایگاه‌های متفاوت، ترکیبی از دولت‌ها و بنگاه‌ها هستند.

روش پژوهش

از بُعد روش، پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه اکتشافی استفاده شده است. برای این منظور، مصاحبه عمیق و گفت‌وگوی مستقیم و بدون واسطه با ۱۲ نفر از پژوهشگران، مدیران، صاحب‌نظران و اندیشمندان دارای حداقل بیست سال سابقه فعالیت در مراکز اندیشه‌ورزی، راهبردی، پژوهشی و مدیریتی کشور انجام پذیرفت. برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله‌برفی استفاده شد.

مصاحبه به صورت عمیق و نیمه‌ساختارمند صورت گرفت. همچنین در مصاحبه و گفت‌وگوهای اولیه، پس از معرفی و ارائه اطلاعات ابتدایی پژوهشگر، به صورت کاملاً باز و

ساختار نیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های دریافتی و پیدا کردن سرخ‌هایی بیشتر، برای سؤال‌های بعدی، شکل سؤال‌ها بهبود یافت. بنابراین، در یک سیر تطوری و تحولی، به موازات قوام یافتن سؤال‌ها، پاسخ‌های دریافتی کنترل می‌شدند. ضمناً در همه مراحل، این مهم مورد توجه بود که سؤال‌ها، پاسخ‌ها و برداشت‌ها، مرتبط با موضوع و در چهارچوب پژوهش باشد. از این رو، پس از پایان هر مصاحبه، سؤالات محوری و محورهای اصلی مطالب مصاحبه‌شونده مرور می‌شد تا از صحت برداشت، اطمینان حاصل شود. با توجه به نزدیکی زیاد پاسخ‌های دریافتی از مصاحبه‌های آخر و اشباع نظری در این خصوص، به دوازده مصاحبه بسنده شد.



شکل ۲: فرایند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات
(منبع: یافته‌های پژوهش)

در ادامه و پس از اتمام مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا، بررسی شدند. از نظر هسیه و شانون^۱ (۲۰۰۵)، تحلیل محتوا، روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق دسته‌بندی نظام‌مند کدگذاری و شناخت موضوع‌ها و الگوهای آن‌هاست. از نظر خلیلی شورینی (۱۳۹۱) نیز تحلیل محتوا فرایندی برای رمزگذاری مطالب تشریحی ارائه شده به فرمتی قابل تجزیه و تحلیل بوده و انواع آن شامل

1. Hsieh and Shannon.

«توصیفی»، «استنباطی» و «ارتباطی» است که می‌تواند به شیوه‌های کیفی یا کمی انجام شود (کشتکار و امینی، ۱۳۹۳، ۸).

کرپندورف (۲۰۰۴) و ریدر (۲۰۰۷)، مراحل اجرای تحلیل محتوای کیفی را شامل گردآوری داده‌های تجربی از طریق مصاحبه، مشاهده یا تجزیه و تحلیل متنی یا ترکیبی از این سه ابزار، کاهش داده‌ها به منظور حذف متون همانند و کنارگذاشتن موارد تکراری، استفاده از نظام مقوله‌بندی، اصلاح نظام مقوله‌بندی براساس داده‌ها و در نهایت ارائه گزارش از داده‌های کیفی می‌دانند. براساس نظر الو و کینگاس^۱ (۲۰۰۸)، گام‌های تحلیل محتوای کیفی به صورت زیر است (کشتکار و امینی، ۱۳۹۳، ۹):

۱. کدگذاری باز: یادداشت‌ها و سرفصل‌ها در متن هنگام خواندن نوشته و سپس مطالعه مجدد شده و عناوین ضروری و حیاتی در حاشیه یادداشت شود تا همه ابعاد محتوا را تشریح کند؛

۲. فهرست کردن کدها: عناوین یادداشت شده در حاشیه متون به صفحه مجزایی انتقال می‌یابد تا پس از آن، به منظور استخراج دسته‌ها، روی آن‌ها تحلیل صورت پذیرد؛

۳. گروه‌بندی کردن: کدهای باز با یکدیگر تحت عناوین کلی‌تر، گروه‌بندی می‌شوند. هدف این مرحله، کاهش تعداد کدها با ادغام کدهای مشابه در کدهای کلی‌تر است؛

۴. دسته‌بندی کردن: گروه‌های مشابه در این مرحله با یکدیگر ادغام شده و دسته‌ها به وجود می‌آید. نکته مهم این است که گروه‌های ذیل هر دسته، باید به آن تعلق داشته باشد.

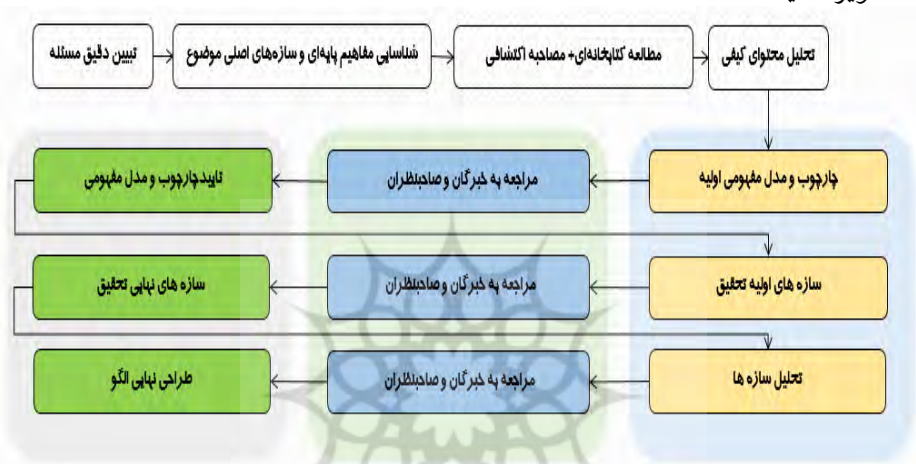
۵. انتزاع: به معنای فرموله کردن توصیفی کلی از موضوع پژوهش از طریق تولید دسته‌هاست. زیردسته‌های با رویدادهای مشابه، با یکدیگر به منظور تشکیل دسته‌ها ادغام می‌شوند و همچنین دسته‌ها، برای تشکیل دسته اصلی ادغام می‌شوند.

پس از تحلیل محتوایی داده‌ها و اطلاعات به دست آمده، چهارچوب و مدل مفهومی اولیه شکل گرفت. در ادامه فرایند پژوهش، «اعتبار» مدل مفهومی شامل تأیید و تحلیل سازه‌های اصلی و الگوی نهایی با بهره‌گیری از ابزار «گروه کانون»، که متشکل از دوازده نفر

1. Elo and Kyngas.

حکمرانی هوشمند (دانش بنیان) با تکیه بر الگوی توسعه ... - حسن چگنی (۲۹۳-۳۲۷) / ۳۱۳

خبرگان حوزه مدیریت مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ای کشور بودند، طی دو نوبت محقق شد. در این خصوص، پس از ارائه چهارچوب مفهومی و سازه‌های اولیه احصاشده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های اکتشافی، نظرات اصلاحی، تکمیلی و تنقیحی در نوبت اول دریافت شد. در نوبت دوم، اعمال نظرات دریافتی از نوبت اول، به خبرگان ارائه و تأییدیه آن‌ها دریافت شد. در شکل زیر، روند و فرایند کلی ساخت الگوی اولیه تا اعتبارسنجی نهایی آن به تصویر کشیده شده است.



شکل ۳: روند نمای اجرای تحقیق و طراحی الگو

(منبع: یافته‌های پژوهش)

یافته‌های پژوهش

با مراجعه به مصاحبه‌های انجام شده، گام‌های پنج‌گانه اشاره شده در روش‌شناسی پژوهش، شامل کدگذاری باز، فهرست کردن کدها، گروه‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن و انتزاع، دنبال شد. با توجه به حجم بالای محتوای مصاحبه‌ها، نمونه‌ای از روند گام‌های پنج‌گانه در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱: نمونه ای از روند گام‌های پنج‌گانه در استخراج سازه‌های اصلی الگو

دسته اصلی	گروه‌بندی	مفاهیم یا همان کدهای باز	متن سند
مسئله‌یابی	رصد و دیدبانی	بازیگر در تصمیم‌سازی کلان	اتاق‌های فکر، به‌عنوان بازیگران غیررسمی از دیرباز در فرایند تصمیم‌سازی و کلان‌جامعه تأثیرگذار بوده‌اند.
	ترسیم نظام مسائل	کنشگر قابل‌اعتنا در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	هیئت‌های اندیشه‌ورز، با نام‌هایی همچون کانون‌ها، مراکز تصمیم‌ساز، سازمان‌های فکری، نهاد‌های فکری، مخازن اندیشه، به ترسیم نظام مسائل می‌پردازند.
	رصد و دیدبانی مسائل؛ تحلیل روندها؛ ترسیم نظام مسائل.	رصد، شناسایی و بررسی و تحلیل مسائل در حوزه‌های داخلی و خارجی	در کشورهای پیشرو، اتاق‌های فکر، به‌عنوان دانشگاه‌های بدون دانشجو توصیف می‌شوند که با بهره‌گیری از کارشناسان، مقامات و صاحب‌نظران، به رصد، شناسایی و بررسی و تحلیل مسائل در حوزه‌های داخلی و خارجی می‌پردازند.
	رصد و دیدبانی؛ ترسیم نظام مسائل	کنشگری در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از طریق رصد مسائل کلان	هیئت‌های اندیشه‌ورز، از طریق رصد و ترسیم نظام مسائل در حوزه‌های کلان، بر تعیین سیاست‌های عمومی کشور تأثیرگذارند.
مسئله‌شناسی	اولویت‌بندی مسائل؛ شناسایی ذی‌نفعان و کنشگران	درک مسائل اولویت‌دار، ذی‌نفعان اصلی و کنشگران اولویت‌دار	در دنیای پرفشار، افزون بر تنوع، تکثر و تعدد مسائل، مدیران کلان نیازمند درک مسائل اولویت‌دار، ذی‌نفعان اصلی و کنشگران اولویت‌دار هستند که هیئت‌های اندیشه‌ورز می‌توانند در این خصوص عمل نمایند؛
	شناخت ذی‌نفعان اصلی؛ شناسایی کنشگران اصلی؛	استفاده از سرمایه‌های دانشی ذی‌نفعان و کنشگران اصلی در حل مسائل	اینکه چگونه می‌توان از سرمایه‌های دانشی در حل مسائل استفاده کرد، نیازمند شناخت ذی‌نفعان و کنشگران اصلی در آن مسائل است.
مسئله‌پردازی	ایجاد فهم مشترک از مسئله بین ذی‌نفعان؛	تحریک و تهییج ذی‌نفعان برای مشارکت در حل مسائل کلان	به‌واسطه سرعت بالای تغییر مسائل در دنیای دانشی امروز، ایجاد فهم مشترک از آن‌ها برای مشارکت ذی‌نفعان انکارناپذیر است.

	تصمیم‌سازی به‌منظور چگونگی درگیر شدن ذی‌نفعان	ابهام در نحوه مشارکت در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	چگونگی مشارکت و حضور سرمایه‌های دانشی، در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روشن نیست.
جریان‌سازی	گفتمان‌سازی؛ نشست‌های خبرگی؛	نامأنوس بودن رویکردها، روش‌ها، مدل‌ها و الگوهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	رویکردها، روش‌ها، مدل‌ها و الگوهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای بسیاری از ذی‌نفعان تأثیرگذار نامأنوس و غریب است.
	معرفی رویکردهای نوین و باز؛	ناآشنا بودن برخی از راهبران و مدیران از مسائل	بسیاری از راهبران و مدیران کلان جامعه، از کم‌وکیف عملکرد هیئت‌های اندیشه‌ورز در حل مسائل آشنا نیستند.
...

(منبع: یافته‌های پژوهش)

کارکردهای مورد انتظار از هیئت اندیشه‌ورزی

براساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، نقاط تمایز هیئت‌های اندیشه‌ورز، نسبت به دیگر مراکز و نهادهای مشابه در کشور و دنیا مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین کارکردهای مورد انتظار از توسعه این هیئت‌ها استخراج شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. نهاد راهبری، هدایتگر و راهنمای سیاست‌های کلان کشور

یکی از کارکردهایی که برای هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی متصور است نقش راهبری و هدایتگری است، به این معنا که یک هیئت اندیشه‌ورز مرکزی که خود دارای هیئت‌های اندیشه‌ورز تخصصی در حوزه‌های گوناگون است، با نگاهی کاملاً کارشناسانه که برآمده از مبانی دینی و انقلاب است به ارائه راهکار و پیشنهاد‌های سیاستی، مدل، راهبرد، دکترین و شاخص می‌پردازد. در صورتی که این مجموعه بتواند در انجام این کارکرد موفق باشد، دغدغه بر زمین ماندن مبانی و تبدیل نشدن آن‌ها به راهبرد و دکترین، محقق شده و این مبانی فکری، دینی و انقلابی بر سیاست‌ها و راهبردهای ساختارهای حکومتی در جمهوری اسلامی تأثیر عملی خواهد داشت. با این کارکرد و نقش از تبدیل شدن این مرکز اندیشه‌ورزی به نهادی صرفاً تحلیلی، ناظر یا تدوینگر پرهیز می‌شود. برای تحقق این

کارکرد به نظر می‌رسد که این راهبری می‌بایست به صورت‌های گوناگون و در چند بُعد شکل بگیرد:

الف) راهبری از طریق اولویت‌بندی مسائل و تشخیص و تعیین نقاط تمرکز باتوجه‌به سیاست‌های کلان ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب

یکی از راه‌های راهبری کلان کشور اعم از سازمان‌ها، نهادها، وزارتخانه‌ها و توسط هیئت اندیشه‌ورز، این است که هیئت اندیشه‌ورز براساس تحلیلی که از وضعیت کشور دارد، «اولویت‌ها» و «نقاط تمرکز» سازمان‌ها را تعیین کند. به‌رحال، نهادها و سازمان‌های گوناگون نمی‌توانند به همه فعالیت‌ها برسند و همه فعالیت‌ها هم از وزن یکسانی برخوردار نیستند. باتوجه‌به چشم‌انداز و وضعیت کشور و آرایش و تمرکز دشمن، همه بخش‌های حاکمیت به‌مثابه یک سیستم یکپارچه باید نقطه یا نقاط کانونی خاصی را شناسایی و فعالیت‌هایشان را با محوریت آن نقاط کانونی هماهنگ سازند. از طرف دیگر، مسیر اصلی و بزرگ‌راه حرکت نظام، سیاست‌های کلان کشور است که از سوی رهبر معظم انقلاب به ارکان حاکمیت در حوزه‌های گوناگون ابلاغ شده و می‌شود. رصد اجرای این سیاست‌ها از عمده کارکردهای هیئت‌اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی ایران حساب شده و نقطه شروع شناخت مسائل، انحراف از این سیاست‌ها خواهد بود.

ب) راهبری از طریق ارائه دکترین، به‌مثابه مجرای مسئله‌مند مبانی در راهبردها

در تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی، چالش اصلی در زمینه «تولید مبانی» نبوده است. مبانی خوبی تولید شده، ولی به‌صحنه عمل کشانده نشده است. مشکل اصلی همواره این بوده است که ما «مبدل مبانی به راهبرد» را کشف نکرده‌ایم و نتوانسته‌ایم مبانی را به راهبرد تبدیل کنیم، برخلاف غرب که دارای قدرت تبدیل مبانی به راهبرد است. آن مبدلی که می‌تواند بین مبانی (یا اندیشه) و راهبرد قرار بگیرد، مفهومی به‌نام «دکترین» است. از دکترین با عناوینی همچون «نظریه سیاست» یا «نظریه راهبرد» هم نام برده می‌شود. مشکل اصلی کشور ما در زمینه سیاست‌ها و راهبردها، فقر در ارائه دکترین است. برای اینکه هیئت اندیشه‌ورز بتواند مبانی را به‌صورت مسئله‌مندی در سیاست‌ها و راهبردها اشراب نماید، باید

دکترین ارائه کند. دکترین، مبانی را از حالت انتزاعی و تشریفاتی خارج می‌کند و معطوف به مسائل میدانی درمی‌آورد. برای تدوین دکترین، باید از طرف مسئله‌های میدانی به مبانی رجوع کرد.

ج) راهبری از طریق ارائه راهبردهای کلان کشور

از دیگر راه‌های راهبری سازمان‌ها توسط هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی، «ارائه و پیشنهاد راهبردهای کلان کشور» به سازمان‌هاست. براین اساس، هیئت اندیشه‌ورز باید راهبرد حرکت بخش‌های گوناگون حاکمیتی را ارائه کند تا به صورت یک تیم هماهنگ و با وحدت چشم‌انداز در یک جبهه متحد اهداف گوناگون نظام جمهوری اسلامی را به پیش ببرند. البته باید توجه داشت که راهبردهای کلان و در واقع راهنما و جهت‌دهنده با توجه به سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی کشور، از طریق هیئت اندیشه‌ورز ارائه خواهد شد.

د) راهبری از طریق ارزیابی مبتنی بر شاخص‌سازی

یکی از راه‌هایی که هیئت اندیشه‌ورز بدون ورود مستقیم در سازمان‌ها، می‌تواند نقش راهبری را در آن سازمان ایفا کند، «ارزیابی از طریق شاخص‌سازی» است. هیئت اندیشه‌ورز برای راهبری سازمان‌ها، نهادها و بخش‌های گوناگون حاکمیتی در سطح کلان با ارائه شاخص‌هایی در حوزه‌های گوناگون می‌تواند به آن‌ها در انتخاب مسیر و پایش حرکت خود کمک کند. با شاخص‌سازی و ارائه شاخص‌ها به سازمان‌ها، اگرچه هیئت اندیشه‌ورز ظاهراً در هویت یک «ارزیاب» ظاهر می‌شود، لکن این شاخص‌ها، سازمان‌ها را به سمت چشم‌انداز نظام سوق خواهد داد.

ه) راهبری از طریق ارائه «مدل اصلاح و بهینه‌سازی» بر اساس مبانی

یکی دیگر از کارکردهای اساسی هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی می‌تواند ارائه مدل و اصلاح و بازسازی ساختارهای حاکمیتی یا تغییر رویه در شیوه‌های حکمرانی در بخش‌های گوناگون باشد که در رصدهای صورت‌گرفته ممکن است به این نتیجه رسیده باشد.

۲. نهاد رصد راهبردی جهت‌گیری و حرکت کلان نظام

یکی از کارویژه‌های هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی می‌تواند نقش دیده‌بانی و رصد جهت‌گیری و حرکت کلان دستگاه‌های نظام و فعالیت آن‌ها باشد. براساس این مأموریت، هیئت اندیشه‌ورز به‌صورت پسینی پیشنهادهای ارائه‌شده یا عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای کشور را بررسی کرده و نسبت آن با چشم‌انداز، اهداف کلان و مبانی و ارزش‌ها را اعلام می‌کند.

هرچند که این وظیفه می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح و بهبود حرکت دستگاه‌های حکومتی داشته باشد، نباید نقش هیئت به این حد تقلیل یابد و می‌بایست درصدد تعالی و اثربخشی حداکثری هیئت بود. اکتفا به این مأموریت، هیئت اندیشه‌ورز را از مجموعه‌ای «مؤثر» به مجموعه‌ای «محلل» تبدیل می‌کند. باید جنبه «پیش‌برندگی» و «پیشنهاددهندگی» و راهبری هیئت پررنگ‌تر از جنبه صیانتی و نظارتی آن باشد، هرچند که این دو به‌نحوی مکمل هم هستند.

۳. نهاد تبیین مبانی، مفاهیم و چهارچوب‌های نظری

یکی دیگر از مأموریت‌های هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی می‌تواند مبناسازی برای فعالیت دستگاه‌های سیاست‌گذار و اجرایی کلان کشور باشد. این هیئت باید مفاهیم اساسی که اداره کشور مبتنی بر آن صورت می‌گیرد را بازتعریف و بازسازی کند تا به‌مرور زمان، جبهه انقلاب، مالک مفاهیم اساسی اداره جامعه شود. تعریف این مفاهیم و تبیین مبانی باید معطوف به لبه‌های اقدام و عمل و مسائل سازمان‌ها صورت گیرد و از افتادن در دام ساده‌سازی و پیچیده‌سازی هم باید اجتناب نماید.

۴. نهاد گفتمان‌ساز

از دیگر کارکردهای مهم هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی همانند دیگر اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر در دنیا جریان‌سازی اجتماعی و اجتماعی کردن بسیاری از مفاهیم و موضوعاتی است که نیاز به فهم مشترک در میان مدیران و مسئولان ارشد، سیاست‌گذاران و در مواردی عموم مردم دارد. این گفتمان‌سازی که یک ضلع آن رسانه‌ها هستند و محتوا و

نحوه ارائه آن را اندیشکده‌ها مشخص می‌کنند، موجب جلوگیری از اتلاف هزینه و زمان شده و نتایج آن به حکمرانی و سیاست‌گذاری در کشور کمک می‌کند.

۵. نهاد رصد و تولید اندیشه استحكام ساخت درونی قدرت و ارتقای توان تاب‌آوری کشور با تأملی کوتاه در بیانات رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر، به‌ویژه از ابتدای دهه چهارم انقلاب، شاهد تأکیدات پیگیرانه ایشان بر مفهوم «استحكام ساخت درونی قدرت» در جمهوری اسلامی هستیم. قدرت را می‌توان در دو نوع درون‌زا و برون‌زا دانست. قدرت درون‌زا مجموعه منابع مولد قدرت و اقتدار است که با ساخت درونی نظام مرتبط بوده و اجزای آن را مؤلفه‌های بومی یک ملت و کشور تشکیل می‌دهد و خود نظام توان مدیریت کلان و خرد آن منابع را در اختیار دارد (خوش‌چهره، ۱۳۹۱، ۲).

در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی، پیشرفت حقیقی آن است که درون‌زا و متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. از این‌رو، این موضوع یکی از مسائل راهبردی است که معظم‌له بر آن تأکید داشتند و آن را در قالب رهیافت بهینه‌سازی ساختار مورد اشاره قرار داده‌اند:

راه عبور از همه مشکلاتی که برای کشور محتمل است، چه در این دوره، چه در ده سال دیگر، چه در پنجاه سال دیگر، این است که کشور از درون مستحکم باشد. ببینید چه جوری استحكام حاصل می‌شود. استحكام داخلی نظام، اساس کار است؛ هم استحكام سیاسی، هم استحكام اقتصادی، هم استحكام فرهنگی، و هم بالاتر از همه استحكام روحی و روانی افراد، به‌خصوص نخبگان و به‌خصوص مسئولان ارشد کشور. این استحكام اگر وجود داشته باشد، هیچ خطری کشور را تهدید نمی‌کند. کشور در مقابل همه خطرهای آماده است» (بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۸/۲۶).

به نظر می‌رسد یکی از نیازهای اساسی برای این استحكام درونی یا به‌عبارتی یکی از کارکردهای مهم هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی، ایجاد این استحكام درونی با ایجاد هم‌گرایی و هماهنگی، هم‌افزایی و حرکتی کاملاً عقلایی و دقیق در همه بخش‌های نظام است. مقام معظم رهبری دامت‌تعالی در این موضوع نیز تأکید نموده‌اند که دیگر با بخشی و

جزئی فکرکردن، مسائل کلان کشور حل نخواهد شد و این استحکام شکل نخواهد گرفت: روزمره فکرکردن در مسائل اقتصادی، مضر است. تغییر سیاست‌های اقتصادی به‌طور دائم، مضر است. در همهٔ بخش‌ها، به‌خصوص در اقتصاد، تکیه کردن بر نظرات غیرکارشناسی مضر است. اعتمادکردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاست‌های اقتصاد باید سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» باشد. يك اقتصاد مقاوم باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشهٔ دنیا، آن گوشهٔ دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است (بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور، ۱۳۹۲/۲/۷).

موضوع تاب‌آوری را می‌توان به‌عنوان یکی از ابعاد استحکام درونی و یکی از کارکردهای هیئت‌های اندیشه‌ورزی لحاظ کرد. تاب‌آوری در سطح راهبردی و کلان جامعه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: توانایی یک جامعه در تحمل ناملازمات و بحران‌ها در حوزه‌های گوناگون از طریق اجرای تغییرات و سازگاری‌ها بدون آسیب‌رساندن به ارزش‌های محوری جامعه و نهادها. یکی از راه‌های مدیریت این شرایط به‌سازماندهی مجدد کشور با استفاده از روش‌های خلاقانه و نوآورانه برمی‌گردد (گل‌وردی، ۱۳۹۶، ۲۹۴).

البته تاب‌آوری فقط پایداری و مقاومت در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی است. مطمئناً هیئت‌های اندیشه‌ورز به‌عنوان نهاد راهبری و هدایتگری و نهاد مسئله‌یاب و مسئله‌پرداز در کشور، اشراف و تسلط بیشتری برای ارائهٔ راهکار و ایفای نقش در این محیط را داشته و در این مسیر می‌توانند کارکرد مؤثر و جدی داشته باشند.

۶. نهاد توانمندسازی اندیشه‌ای حاکمیت در امر جامعه‌پردازی و تحقق تمدن نوین

اسلامی

با نگاه به سرفصل‌های اصلی بیانیهٔ گام دوم، افق نگاه رهبر معظم انقلاب بر تشکیل نظام و جامعه‌ای پیشرو در امر تولید و عرصهٔ علم و فناوری، شاخص در اخلاق اسلامی و انسانی، فعال و پیشتاز در عرصه‌های گوناگون مورد نیاز کشور باتوجه‌به شاخص‌های کارآمدی،

تاب‌آوری و مقاومت، درون‌زا، مردم‌بنیاد، عدالت‌محور و دانش‌بنیان بودن، به‌روشنی در آن پیداست.

در گام دوم انقلاب به‌دلیل گسترده‌تر و وسیع‌تر شدن افق انقلاب و جمهوری اسلامی، مباحثی همچون پیشرفت و عدالت، طراحی پایدار، تغییر از ذهن گذشته‌نگر به ذهن آینده‌نگر، جامعه‌آرمانی و اجتماع کارآمد و احیای فرهنگ به‌عنوان نرم‌افزار تمدن نوین اسلامی ایرانی مورد مطالبه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته که پرداختن به آن‌ها به‌صورت یک نظام درهم‌تنیده و کاملاً مرتبط با هم، نیاز به یک نهادی با ویژگی‌های اکوسیستم ایرانی، اسلامی و انقلابی دارد.

تأکید مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان در مورد تشکیل هیئت اندیشه‌ورز برای بررسی و مطالعه گذشته انقلاب و مشخص شدن وضعیت کشور در حرکت به‌سوی اهداف، از همین موضوع نشئت می‌گیرد. رصد مسیر حرکت انقلاب و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف و ارائه راه‌های جایگزین یا اصلاح مسیر و ارائه راهبرد برای آینده کشور با توجه به گام‌های طراحی شده از طرف معظم‌له - یعنی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی - می‌تواند از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارکردهای هیئت‌های اندیشه‌ورز در گام دوم انقلاب محسوب شود. برخلاف مجموعه‌های علمی امروز، هیئت اندیشه‌ورز نهادی است به نسبت چابک‌تر، کاربردی‌تر و نزدیک‌تر به حوزه اجرا و عمل و کاملاً در خدمت نیازهای کشور و پشتیبان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور.

۷. نهاد به‌کارگیری مشارکت مردمی و بسیج در امر سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی

یکی از ویژگی‌های نهادهای برآمده از انقلاب همچون سپاه، بسیج، جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، کمیته امداد و...، مردم‌پایه بودن آن‌ها و به‌مشارکت گرفتن مردم برای انجام مأموریت‌های محوله است. این موضوع در ابتدای انقلاب و در عرصه‌های سازندگی و دفاع به‌خوبی جواب خود را پس داده و هنوز هم هر جا این مشارکت تداوم دارد، برای کشور برکات ملموس و عینی دارد.

استمرار و استحکام نظام، مبتنی بر ظرفیت‌های درونی، مطالبه‌ای است که همواره از سوی مقام معظم رهبری اعلام شده است. ابتدای نظام بر استفاده از ظرفیت‌های مردم‌نهاد مؤثر، کارآمد و پایدار برای انسجام ملی و مشارکت اجتماعی می‌تواند در ساخت قدرت درونی با اهمیت تلقی شود.

یکی از چالش‌های اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها در اغلب کشورها، تأمین منابع مالی و هزینه‌های بسیار زیاد این مجموعه‌هاست. البته در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای ثروتمند و پیشرفته، اغلب این مؤسسات به صورت خصوصی و از طریق مؤسسات خیریه و موقوفی اداره می‌شوند. از طرف دیگر، تغییر و تحول و پیچیدگی‌های علمی و فنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... همواره جامعه را به عنوان یک سیستم با مسائل و موضوعاتی درگیر و مواجه می‌سازد که حل این مسائل برای حفظ و بقای تعادل جامعه، با مشارکت مردم به دلیل برخورداری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها امکان‌پذیر است.

استفاده از ظرفیت‌های علمی مردمی و نخبگانی کشور نیازمند نهادی نوظهور است که با ایجاد سازوکارهای نوین مبتنی بر فرهنگ و بوم کشور بتواند هم تاحدودی هزینه‌های این مراکز را کاهش داده و هم از ظرفیت عظیم کشور و سرمایه‌های فکری و نخبگانی استفاده کند.

۸. نهاد مشورتی حل مسائل ارجاعی ازسوی دستگاه‌های کلان حاکمیتی

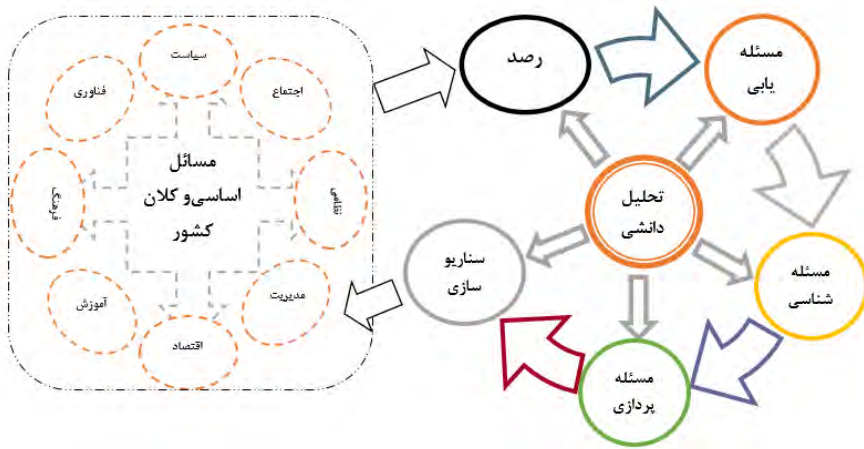
براساس این مأموریت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کلان و سیاست‌گذار کشور، مسائل چالش‌برانگیزی را که با آن مواجه می‌شوند و با ابزارها و روش‌های در اختیار قادر به ارائه راه‌حل برای آن نیستند، به هیئت اندیشه‌ورز عرضه می‌کنند تا هیئت‌های تخصصی زیرمجموعه هیئت اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی به آن پاسخ داده و راهکارهای مناسب را با در نظر گرفتن همبستگی آن با دیگر بخش‌ها استخراج کنند.

مطابق این مأموریت، طرح مسئله ازسوی سازمان‌ها و پاسخ ازسوی هیئت ارائه خواهد شد. علت واگذاری طرح مسئله به سازمان‌ها هم به این دلیل است که هیئت توان حضور فراگیر در میدان عمل و احصای مسائل در گستره وسیع را ندارد و این سازمان‌ها هستند که در متن درگیری‌های اجرایی و عملی با این مسائل دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

نتیجه گیری

هدف این پژوهش ترسیم و ارائه الگویی بومی و سازگار با زیست بوم حکمرانی در ایران، از نهاد راهبردی هیئت اندیشه‌ورزی است. از بُعد روش، پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه اکتشافی استفاده شد. برای این منظور، مصاحبه عمیق و گفت‌وگوی مستقیم و بدون واسطه با دوازده نفر از پژوهشگران، مدیران، صاحب‌نظران و اندیشمندان دارای حداقل بیست سال سابقه فعالیت در مراکز اندیشه‌ورزی، راهبردی، پژوهشی و مدیریتی کشور انجام پذیرفت. یافته‌ها حکایت از آن دارد که هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی در سطح کلان می‌تواند به هوشمندسازی و دانش بنیان کردن نظام حکمرانی کشور کمک کرده و علاوه بر کارکردهای رایج، کارکردهایی همچون نهاد راهبری، هدایتگر و راهنمای سیاست‌های کلان کشور، صیانت و نظارت، تبیین مبانی، مفاهیم و چهارچوب‌های نظری، گفتمان‌ساز، رصد و تولید اندیشه استحکام ساخت درونی قدرت، جامعه‌پردازی و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی، به‌کارگیری مشارکت مردمی و بسیج در امر سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی و استفتا و حل مسائل داشته باشد.

برهمن اساس، هیئت‌های اندیشه‌ورز با توجه به این سیاست‌های کلان، ضمن رصد مسائل اساسی کشور، مسائل اولویت‌دار، اساسی و مهم کشور در حال و آینده را استخراج کرده، ضمن دسته‌بندی آن‌ها تحلیل روندها و ارزیابی سیاست‌ها را در این مرحله انجام می‌دهند (رصد و مسئله‌یابی). در مرحله بعد اولویت‌بندی و انتخاب مسائل، تعریف و تبیین مسئله و شناسایی ذی‌نفعان صورت می‌گیرد (مسئله‌شناسی). در مرحله بعد گفتمان‌سازی مقدماتی در مورد مسئله، ارتباط با ذی‌نفعان، ایجاد دغدغه و نیاز برای حل مسئله در میان نخبگان و مردم، تحقیقات میدانی، استخراج و تحلیل نتایج و تبدیل مفاهیم ذهنی (مدل‌های نظری) به عملیاتی صورت می‌گیرد.



شکل ۴: چرخه رصد تا ارائه راه‌حل در هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی

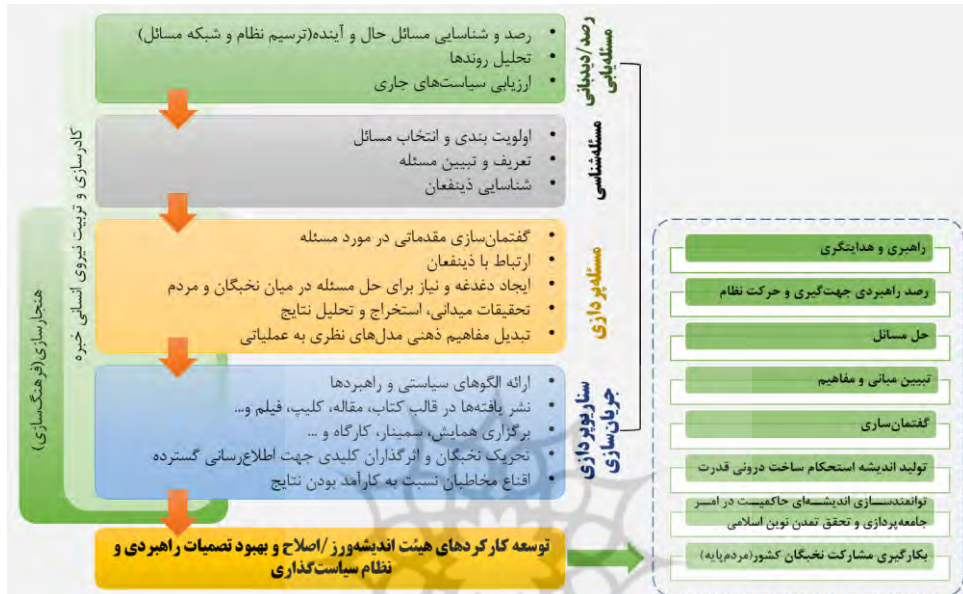
(منبع: یافته‌های پژوهش)

باتوجه به فرایند صورت‌گرفته و تحلیل و بررسی و جمع‌بندی نظرات خبرگان و صاحب‌نظران و برخی پژوهشگران با سابقه مطالعاتی در این حوزه و براساس وضعیت‌شناسی و رصد اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر فعال ایران و جهان، عمده کارکردها و فعالیت‌های هیئت‌های اندیشه‌ورز عبارت است از:

- رصد روندهای گذشته و شناسایی جریان‌های فعلی و بررسی و تحلیل وضع موجود؛
- استخراج مسائل حال و آینده؛
- ترسیم شبکه مسائل و تحلیل آثار متقابل؛
- اولویت‌بندی و انتخاب مسائل کلیدی؛
- تعریف پروژه‌های تحقیقاتی ناظر به ابعاد گوناگون مسائل انتخاب‌شده؛
- تبدیل مفاهیم ذهنی و مدل‌های نظری به مدل عملیاتی (مدل‌سازی عملیاتی)؛
- بازخوردگیری و اصلاح مدل‌ها؛
- ارائه نمونه‌های موفق از الگوهای مستخرج از مدل؛
- تفسیر نتایج به خلاصه‌های سیاستی و تلاش برای نشر یافته‌ها و گفتمان‌سازی؛
- اقتناع مخاطبان نسبت به کارآمد بودن مدل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی.

حکمرانی هوشمند (دانش بنیان) با تکیه بر الگوی توسعه ... - حسن چگنی (۲۹۳-۳۲۷) / ۳۲۵

باتوجه به فعالیت‌های بیان شده که براساس مصاحبه‌های اکتشافی، ادبیات موجود و تجربه‌هایی که از رصد اندیشکده‌ها به دست آمده است، الگوی مفهومی نهایی به صورت زیر نهایی و توسط خبرگان اعتبارسنجی شد.



شکل ۵: الگوی مفهومی توسعه کارکردهای هیئت‌های اندیشه‌ورز جمهوری اسلامی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پیشنهاد‌های پژوهشی و اجرایی

یکی از عوامل اصلی موفقیت مراکز اندیشه‌ورزی در ایران شکل‌گرفتن و طراحی

زیرنظام‌هایی است که هرکدام می‌تواند موضوع پژوهشی باشد:

○ نظام زیرساخت تعاملی میادین نخبگانی و دانشی با مبادی اجرایی و سیاست‌گذاری؛

○ نظام جامع دیده‌بانی، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های اندیشه‌ورزی؛

○ نظام تکریم، ارتقا و انتصاب و رتبه‌بندی اندیشه‌ورزان و پژوهشگران.

راهکارهای ایجاد استقلال مالی و سیاسی مجموعه‌های اندیشه‌ورز و اندیشکده‌های

کشور:

۱. بررسی و تبیین «تجزیه و تحلیل سیاسی آینده‌نگر» و «سیاست پژوهی گذشته‌نگر»؛
۲. طراحی الگوی تعامل و همکاری فعالان زیست‌بوم اندیشه‌ورزی کشور؛
۳. در برنامه‌های توسعه کشور و مشخصاً برنامه پنج‌ساله هفتم، به موضوع مراکز اندیشه‌ورزی و شکل‌گیری نهادی به‌عنوان هیئت عالی اندیشه‌ورز برای کمک اندیشه‌ای به حاکمیت مدنظر قرار گیرد.

کتابنامه

- بابایی فارسانی، میثم و ابوذری علی‌دادی تلخستانی و حمید حاجی ملامیزی. اندیشه‌ورزی در سازمان‌های دانش‌آفرین، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام‌حسین علیه السلام (در دست انتشار).
- بیانی، فرهاد (۱۳۹۹). «موانع اندیشه‌ورزی اجتماعی در میان اصحاب جامعه‌شناسی ایران»، پویش در آموزش علوم انسانی، س ۶، ش ۲۱، ص ۹۱-۱۱۲.
- پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی (مفاهیم، روش‌ها)، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پورحیدر، احمد. (۱۳۹۹). «مفاهیم پشتیبان تدوین نظام جامع رصد اجتماعی»، پایگاه جامعه‌اندیشکده‌ها، <https://iranthinktanks.com/social-monitoring-system>، بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۱۸.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۹). مدیریت دانش و دانایی (ساختار، فرایندها و سازوکارها)، قم: یاقوت.
- خوش‌چهره، محمد (۱۳۹۱). «ظرفیت‌های درون‌زا؛ امتیاز اقتصاد ایران»، پایگاه تحلیلی برهان، <http://borhan.ir>، بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۵.
- دفتر مطالعات بنیادین حکومتی (۱۳۹۴). کانون‌های تفکر روسیه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴.
- سرتیپ‌زاده، لیلا (۱۳۹۰). ابعاد اندیشه‌ورزی از دیدگاه قرآن کریم و تعلیم‌وتربیت، تهران: انتشارات دانشگاه امام‌صادق علیه السلام.
- شاهقلیان، کیوان و مجتبی زرآبادی‌پور (۱۳۹۵). «ارائه مدل ارزیابی عوامل موفقیت انجمن‌های خبرگی در شرکت‌های دانش‌بنیان»، مجله مدیریت توسعه و تحول، س ۸، ش ۲۶، ص ۵۳-۵۸.

حکمرانی هوشمند (دانش بنیان) با تکیه بر الگوی توسعه ... - حسن چگنی (۲۹۳-۳۲۷) / ۳۲۷

شریف، حمیدرضا و حمید ندیمی (۱۳۹۲). «تعامل بین ایده‌یابی و پردازش ایده در تفکر طراحی معماری»، نشریهٔ صفا، س ۲۳، ش ۳، ص ۱۹-۲۶.

کشتکار، مه‌ران و سیدجواد امینی (۱۳۹۳). «الگوی مدیریت تعارض در سیره و بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، فصلنامهٔ بهبود مدیریت، س ۸، ش ۱، ص ۵-۲۶.

گروه نویسندگان (۱۳۹۵). کانون‌های تفکر جهان، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی.

گل‌وردی، مهدی (۱۳۹۶). «تاب‌آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق»، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، س ۷، ش ۲۵، ص ۲۹۳-۳۱۰.

لاجوردی، سمانه (۱۳۹۰). مدیریت کانون‌های تفکر در عرصهٔ خط‌مشی‌های عمومی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Slaughter, R. A. 2006 . Pathways and impediments to social foresight (Hawthorn, Vic: Strategic Foresight Program, Faculty of Business and Enterprise, Swinburne University).

sheng, Yap Kioe. 2017. what is good governance?, United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, Poverty Reduction Section UNESCAP, UN Bangkok, Thailand.

Pereira, G. V., Parycek. P., Falco, E. 2018. smart governance in the context of smart cities: a literature review, information polity, forthcoming.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی